

# تالش

پولین تشریح پید هلال تالش

ماهنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی  
سال دوم - شماره پانزدهم - زمستان ۱۳۸۲ - قیمت: ۳۵۰ تومان



دکتر هوشیار اعظمی در گفتگوی اختصاصی با ماهنامه تالش

در آمریکا با دفترم تالش صحبت می‌کنم

## در آمریکا با دخترم تالشی صحبت می‌کنم



گفتگو کننده : عارف واحد تاوان

دکتر هوشنگ امیر احمدی استاد برجسته دانشگاه « رانکرز » ایالت اعیان نشین نیوجرسی در سال ۱۳۲۵ در روستای شیخ نشین (شخ شین Šaxšin) از توابع شندرنس با به عرصه زندگی گذاشت وی با گذراندن مقاطع ابتدایی و راهنمایی برای ادامه تحصیل به رشت رفت و برای نخستین بار غربت و دوری از خانواده را تجربه کرد. وی پس از اخذ دیپلم وارد دانشگاه تبریز شد و در رشته مهندسی کشاورزی از این دانشگاه فارغ التحصیل شد. علاقه او به مباحث سیاسی موجب شد تا او بیشتر با فعالیت روشنفکری آن زمان آشنا گردد. اما این برای مرد برهمن و پرنزوی تالش کم بود. بنابر این برای پیشرفت به انسوی ایها یعنی انسوی اتلانتیک سفر کرد. پرفسور امیر احمدی پس از ورود به آمریکا و تلاش و همت بی پایان موفق به اخذ دکترای برنامه ریزی اقتصاد و توسعه از دانشگاه معتبر « کورنل نیویورک » با

رتبه عالی شد و هم اکنون علاوه بر استادی دانشگاه، ریاست مرکز مطالعات خاور میانه دانشگاه ایالتی رانکرز نیوجرسی را نیز بر عهده دارد افزون بر آن وی رئیس شورای ایرانیان - آمریکاییان نیز می باشد همچنین او بعنوان بنیانگذار سازمان « سپرای آمریکا » دارای اصلم ویژه ای در میان آمریکاییها شده است. از این دانشمند برجسته ایرانی دهها کتاب در آمریکا و اروپا به زبان های مختلف چاپ شده است که برخی از این کتاب ها در ایران منتشر شده است. دکتر هوشنگ امیر احمدی طراح جامعه مدنی در ایران است و نخستین کسی است که نظریه جامعه مدنی در ایران را مطرح نمود. اعتبار و رتبه علمی پرفسور امیر احمدی به حدی است که بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در غالب مشاوره از نظر های او استفاده می کنند. « سایرونس ونس » وزیر امور خارجه جیمی کارتر در باره وی می گوید: من تاکنون

شخصیتی ندیده ام که قوه درک و تحلیلش نسبت به مسائل جهانی اینچنین باز و منعطف باشد. « همسر دکتر امیر احمدی نیز از پزشکان معتبر شهر نیوجرسی است و اصالت شیرازی دارد.

لازم به ذکر است پرفسور امیر احمدی از خاندان امیر احمدی تالش جمویی و فرزند میرزا امالی الله خان است. با او که بیش از ۳۰ سال است در آمریکا زندگی می کند به زبان تالشی گفت و گو کردم. دکتر هوشنگ امیر احمدی همچنان با حرارت از تالش بودن خود حرف می زند. وی در یک گفتگوی ۱/۵ ساعته تلفنی که به ایالت نیوجرسی آمریکا برقرار کردم چنگی به گذشته کودکی اش زد و از تخم مرغ بازی و نوروزخوانی هایش سخنان شیرینی گفت. او می گوید من زرنگ ترین امیر احمدی تاریخ هستم. آنچه در بی می آید گفت وگویی بسیار صمیمانه ما با این تالش موفق و چهره شناخته شده جهانی است.



× آقای دکتر ساعت یک بامداد می خواستم با شما تماس بگیرم اما نگران این موضوع شدم که مزاحم خواب شما بشوم. بنابراین ترجیح دادم که ساعت ۸ صبح به وقت تهران با شما تماس بگیرم که به وقت نیوجرسی آمریکا ساعت ۱۱/۵ شب است.

× شما هر زمان که خواستید تماس بگیرید چون من اکثر وقت شبانه روز بیدارم. من زریگ ترین امیر احمدی تاریخ هستم. البته شلوغ ترین، شکم‌ترین و پرکارترین هم بودم. من هیچ وقت آرام و قرار نداشتم.

× خوب من اگر بنویسم که شما زرنگترین امیر احمدی هستید عمو زاده هایتان علیه شما شورش نمی کنند!!!

× [قهقهه ای می زند و می گوید:] نه آنها خودشان خوب می دانند که من از همه شان زرنگ تر بودم. هنوز هم دیر تر از همه می خوابم و زودتر از همه بیدار می شوم.

× از خاطرات کودکی و نوجوانی تان تعریف کنید.

× یادم می آید بچه که بودیم حداقل یک ماه پیش از آغاز نوروز در ساعت‌های مختلف شب به خانه مردم می رفتیم و آواز بهار آمد و خوش آمد را می خواندیم. من خودم بارها در خانه عمومهمسایه ها نوروز خوانی کرده و پول گرفته ام. مثلاً عموم یک بار یک تومان به من پول داد.

بگذار یک خاطره ای تعریف کنم. شام غریبان ماه محرم بود. ما واقعه کربلا را بصورت تعزیه اجرا کردیم و من نقش حضرت رقیه را بازی می کردم. بچه بودم. چادری سرم انداخته بودند که من ناگهان وسط تعزیه خوانی خوابم برد. یک لحظه احساس کردم یکی مرا بیدار می کند. یکی از تعزیه خوان ها بود. او با عصبانیت به من گفت: تو باید گریه کنی. نقش خودت را بازی کنی. نه اینکه بخوابی. نا سلامتی ما اسیر یزید هستیم. این خاطره را من هرگز فراموش نمی کنم. وقتی یاد آن روزها می افتم بچه می شوم و دلم تنگ می شود.

× آقای دکتر تمایل دارم در خصوص وضعیت تالشهای مقیم آمریکا حرف بزنید و اینکه آیا شما ارتباطی هم با هم دارید؟

× متأسفانه من تنها ۱۰ تا ۱۲ نفر از تالشهای مقیم آمریکا را می شناسم. و ارتباط کم و جسته گریخته ای با آنها دارم ولی این را خوب می دانم که همین تعداد تالش مقیم آمریکا از سطح رفاه بسیار بالایی برخوردار هستند. و برخی از آنها هم از اساتید برجسته دانشگاهها و پستهای مهمی دارند. چند نفر از این ها در ایالت کالیفرنیا هستند و به تجارت مشغولند و در کار خود موفق هم هستند.

× آیا تا بحال به فکر تشکیل N.G.O یا تشکلی برای برگزاری جلسات ماهانه یا سالانه برای دور هم جمع شدن نبوده اید؟

× علاقه برای انجام این کار زیاد است. اما ما در آمریکا با دو مشکل اساسی روبه رو هستیم. نخست اینکه وقت و فرصت انجام چنین کاری را نداریم. گستردگی مساحت آمریکا نیز مزید بر علت شده است. شاید فاصله مسیر تهران - لندن نزدیک تر از فاصله دو ایالت آمریکا باشد و از آنجا که تالشها در ایالات مختلف آمریکا پراکنده اند تشکیل جلسه های ماهانه و

حتی سالانه و انجام چنین کاری اندکی غیر ممکن می کند.

× با توجه به اینکه شما یک تالش هستید و زبان مادری تان تالشی است آیا به بچه هایتان این زبان را یاد داده اید؟ آنها علاقه ای به سرزمین اجدادی خود دارند؟

× من تنها یک دختر ۱۳ ساله دارم. او ۱۰ ماهه بود که به ایران سفر کردم. از آن سال به بعد نزدیک به هفت بار ایران آمده ام. دخترم در طول این سفرها به تالش و طبیعت تالش علاقه مند شد. متأسفانه از سال ۱۳۷۷ به بعد به ایران نیامده ام و این ۷ تا ۸ سال دوری از ایران موجب فراموشی تدریجی و فاصله گرفتن از ایران شده است. اما او همور از مجموعه سفر هایی که به تالش داشتیم چیزهایی را در ذهن دارد. در مجموع آن جاذبه هایی که تالش برایش ایجاد کرده بود فراموش می شود. من امیدوارم در آینده فرصت خوبی پیش بیاید تا بار به ایران و تالش سفر کنیم.

× پس با این اوصاف شناخت او از تالش بسیار کم است و با زبان تالشی هم بیگانه است.

× ببینید من بیش از ۳۰ سال است که در آمریکا اقامت دارم. همسرم شیرازی است و ما مجبوریم در محیط آمریکا انگلیسی حرف بزنیم. دخترم انگلیسی و فارسی را خوب حرف می زند. اما از آنجا که هم زبان تالشی در محیط آمریکا ندارد، نمی تواند این زبان را یاد بگیرد و به این زبان حرف بزند. با این وجود من هر از گاهی در آمریکا یا او تالشی حرف می زنم. واژه های کلیدی تالشی را به او یاد داده ام. مثلاً بعضی وقتها به او می گویم « کله بش مرا او بوا » او مکث می کند، کنجکاو میشود. می خندد و بعد از من می پرسد که بابا معنای این جمله چیست؟ وقتی معنای این جمله را برایش توضیح می دهم ذوق زده می شود و



بسرعت برآیم آب می اورد. با علاقه و تمایلی که در وجود او برای یادگیری واژه ها و جمله های تالشی دیده ام کوشش می کنم وقت زیادی برای اموختن حداقل برخی از این واژه ها و جمله های تالشی کلیدی به او بگذارم. چون دخترم از این کارها خوشش می آید و اینها برای او جالب است.

«دغدغه بزرگ فعالان فرهنگی تالش روند رو به رشد تخریب و نابودی این زبان است. شما برای جلوگیری از وقوع چنین اتفاقی چه راهکاری را پیشنهاد می کنید؟»

«روند تخریب و نابودی زبانها و گویشهای محلی در جهان زیاد شده است و این متخصص زبان تالشی نیست و من اعتقاد دارم نابودی زبان تالشی نیز همان روند طبیعی نابودی سایر زبانها را طی خواهد کرد.»

«من نمی توانم اطمینان داشته باشم در پروسه دراز مدت بتوان این زبان را زنده نگه داشت. در نوع خطرناکترش من معتقدم فارسی هم دچار همین وضعیت شده است. و اگر از همین زبان پاسداری نشود از بین می رود.»

کما اینکه دهها هزار زبان در دنیا وجود داشته اما الان وجود ندارد. با مطالعه تاریخ ایران به نابودی چند زبان در کشورمان در طول تاریخ پی می بریم. با این وضعیت شما اگر به نسل جدید نگاه کنید متوجه می شوید که آنها بجای زبان تالشی به فارسی حرف می زنند. با این شرایط نسل های سوم و چهارم ما کاملاً فارسی حرف خواهند زد و زبان تالشی در داز مدت فراموش خواهد شد. اما راههای دیگری برای زنده نگه داشتن این زبانها به عنوان زبانهای تاریخی و سنتی زنده نگه داشت این گونه زبان اگر چه به شفاهی در حال زوال و نابودی است اما می شود این زبانها را بصورت کتبی نگه داشت. در این میان نقش شعرا و

نویسندگان بر اهمیت است. شعرا باید شعرهایی را به این زبان بسرایند. باید رادیو و تلویزیون محلی برای این زبانها راه اندازی کرد و از این راه ارتباطات مردمی را افزایش داد. حداقل محلات و تشریفات محلی باید این مهم را بپذیرند و بچه ها را به یادگیری و پاسداری از این زبان تشویق کنند. اما همه اینها به سرمایه گذاری بزرگی نیاز دارد. من اعتقاد ندارم دولت بخواهد یا بتواند در این زمینه سرمایه گذاری کند. سرمایه داران باید این کار را انجام دهند. من هنوز نمی دانم که آیا سرمایه دار بزرگی در منطقه پیدا میشود که هم سرمایه کلان داشته باشد و هم عرق تالشی و نگران و دلسوز این زبان باشد و در این راه سرمایه گذاری کند. من امیدوارم که چنین اشخاصی پیدا شوند. این کار یک کار آکادمیک و علمی نیست. این کار را باید در سطح مجاوره و ارتباطات کرد.

است. اما متأسفانه کسی به این طبیعت زیبا بها نداده است و از این منابع بزرگ استفاده درست نشده است و این منابع هنوز دست نخورده باقی مانده است. امیدوارم در آینده شرایط تغییر کند. واقعیت این است که تالش با این تاریخ و طبیعت خود جای افتخار دارد. به نظر من زبان تالشی یکی از بهترین و شیرین ترین زبانها است. من فکر می کنم زبان تالشی که زبان دری باستان است در سراسر ایران رایج بوده است. اما به تدریج و به انحاء مختلف دامنه نفوذ آن کوچکتر شده و به منطقه تالش امروز محدود شده است. بنابراین بچه های تالش باید به تالش بودن خود افتخار کنند و هم در پاسداری از زبان مادری خود تلاش کنند.

«توصیه شما به جوانان تالش چیست؟»

«جوانان تالش باید به سرزمین اجدادی خود افتخار کنند و به آن وفادار بمانند. تالش سرزمین بسیار قدیمی و تاریخی و غنی از منابع بویژه طبیعت زیباست. من به کشورهای زیادی سفر کرده ام. صادقانه اعتراف می کنم کمترین جایی را به زیبایی تالش دیده ام. این منطقه این منطقه میان کوه، جنگل و دریا محصور

من باز تأسفم را از عدم رشد و پیشرفت این منطقه یا دارا بودن منابع مختلف و مردم بسیار خوب ابراز می کنم. باید پذیرفت که نسبت به بقیه جاهای کشور به این منطقه کم توجهی شده است و من دولت را در این عقب ماندگی مسئول می دانم. حق تالشی ها بیشتر از این هاست. به جوانان تالشی توصیه می کنم درس خوانند و رفتن به دانشگاه را در اولویت تمام کارها و برنامه هایشان قرار دهند. چرا که تالش پیشرفته را تنها در سایه جوانان تحصیل کرده و روشنفکر می توان جستجو کرد.